



## دانش پژوه و کتاب

**اشاره:** در جامعه ما از دیر باز کسانی بوده‌اند که از عنفوان جوانی دل در گرو عشق کتاب نهاده‌اند و عاشقانه عمر گرانمایه خویش را در خدمت به کتاب و جامعه کتابخوان سپری کرده‌اند. بر جامعه فرهنگی ماست که از باب قدردانی نسبت به این بزرگان ادای احترام کند. بی‌شک یکی از این افراد استاد محمدتقی دانش پژوه است که خدمات ارزشمند وی مورد عنایت فرزاتگان و دانشمندان ایران و بلکه سایر کشورهای اسلامی است. از این رو، به منظور تجلیل و ادای احترام نسبت به «دانش پژوه»‌های این کشور به حضور استاد رسیدیم و شرحی از زندگی‌اش را از زبان خودش خواستار شدیم که اینک از نظر شما می‌گذرد:

■ نام پدر من حاج میرزا احمد درکابی لاریجانی است که از مجتهدان و فقهای بنام آمل و لاریجان بوده است. من مقدمات ادبی را پس از خواندن عمّ جزء و ختم قرآن کریم و

● ابتدا لازم است از فرصتی که به ما دادید تشکر کنیم. بهتر است برای آشنایی بیشتر مخاطبان شرحی کوتاه از زندگی خودتان را بیان فرمایید.

به من می‌گفت: بگو «نحن ابناء الدلیل» و دلیل هم جز با منطق به دست نمی‌آید.

از آن پس بخشی از شرائع الاسلام محقق حلی و پاره‌ای از القوانين المحکمه میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی را نیز نزد او خواندم.

● در آن ایام به جز مرحوم پدرتان استادان دیگری هم داشته‌اید؟

■ بله؛ یکی از استادانم پسر مرحوم شیخ ابوالحسن آملی واعظ بود. از پسر دایی خودم میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی هم بهره برده‌ام. یادم هست که مرحوم آقا میرزا عزیزالله طبرسی از نجف برگشته بود و شرح منظومهٔ سبزواری را درس می‌گفت؛ چندی به آن درس نیز رفته‌ام.

● از چه زمانی برای کسب علم از شهر خود هجرت کردید و تحصیلات خود را در کجاها ادامه دادید؟

■ هجده سالی داشتم که پدرم به رحمت ایزدی پیوست و بار سنگین زندگی بر دوش من افتاد؛ ولی از تحصیل دست نکشیدم. کوششی کردم و خودم را به تهران رساندم و به قم رفتم و دو سالی در آنجا بودم. در آن شهر از محضر استادانی بزرگوار مانند میرزا ابوالفضل گلپایگانی در درس القوانين المحکمه میرزای قمی و حضرت آخوند ملاعلی همدانی و حضرت آیت‌الله مرعشی هر دو در درس الروضة البهیه فی شرح

دیوان حافظ و نصاب الصیبان فراهی و دیگر کتابهای درسی فارسی آن روز در آمل و ناندل از او فراگرفتم. کتابهای جامع المقدمات را نیز نزد او خوانده‌ام، جز هدایة النحو که نمی‌دانم چرا آن را نجس می‌دانستند.

از آن پس به خواندن البهجة المرضیه سیوطی پرداختم و گویا به مبحث فاعل رسیده بودم که به پدرم گفتم دیگر من می‌گویم و شما بشنوید؛ زیرا در این کتاب نیاز به استاد نداشتم. در همین هنگام حاشیه‌التهدیب مولی عبدالله یزدی را نزد ایشان می‌خواندم.

از آن پس خواندن الفوائد اضیایه جامی آغاز گشت و من همهٔ آن را با حواشی خواندم؛ چنان که حواشی حاشیه‌التهدیب را نیز به دقت دیده‌ام.

در همین هنگام خواندن شرح الشمسیه قطب‌الدین رازی را نزد او آغاز کردم و صفحاتی چند از آن را درس گرفتم و بقیه را خودم مطالعه کردم.

پس از شرح شمسیه به کتاب لواع الاسرار فی شرح مطالع الانوار قطب‌الدین رازی پرداختم و بی‌استاد همهٔ آن را به دقت مطالعه کردم. من از خواندن کتب منطق بسیار لذت می‌بردم و از آغاز تحصیل شیفتهٔ منطق بودم. نمی‌دانم چرا؟ گویا برای اینکه پدرم همواره

■ فلسفه را بیشتر در مدرسه سپهسالار قدیم که چند سالی در آنجا زیسته‌ام در محضر استاد بزرگوار مرحوم میرزا مهدی آشتیانی آموختم. شفاه و اسفار را نزد او تعلیم دیده‌ام. مکاسب را هم تدریس می‌کرد و با روش فلسفی می‌آموخت. چهار سالی از محضر مبارک او بهره بردم.

در تصحیح هم ما قواعدی داشتیم که علمای ایرانی در کارشان به آن عمل می‌کردند و ما با آنها آشنا شدیم. ثقة الاسلام تبریزی، حاجی نوری، حاج آقا بزرگ طهرانی، اینها کسانی بودند که در این زمینه پیش قدم هستند.

از محضر استاد بزرگوار مرحوم عصار نیز استفاده برده‌ام. یادم می‌آید که در دانشسرای عالی آن روز در محضر او از وحدت صرف وجود و تکثر موجودات سؤال کردم و استاد به حل مشکل پرداخت و یکی دو روزی داد سخن داد؛ ولی پیش آمدی شد که آنجا را ترک گفت و مطلب به پایان نرسید.

در منطق الجوهر النضید علامه حلی را نزد حضرت آیت‌الله میرزاهاشم آملی در قم دیدم و نزد آقای سیدمصطفی کرد محله‌ای منظومه سبزواری خواندم. شرح تجرید

اللمعة الدمشقیة شهیدین بهره بردم. هنوز لذات نوادر ادبی که از آیت‌الله مرعشی می‌شنیدم در کام ذهنم هست.

المطول تفتازانی را با معالم الاصول ابومنصور حسن عاملی نزد پدرم فرا گرفته بودم و خودم در آمل سراسر المطول را با حواشی چلبی و گرگانی و سمرقندی به دقت خوانده بودم؛ ولی در قم هم مانند طلاب دیگر به درس مطول میرزا محمد علی طهرانی می‌رفتم. این درس در تصحیح قرائت پاره‌ای از الفاظ عربی کتاب برای من مفید بود و بیس و گرنه مرا در حل مسائل آن نیازی به دیگری نبود. بیشتر مجلد دوم الروضة البهیة را از آقای سیدمصطفی کرد محله‌ای فرا گرفتم.

به سبب گرفتاریهای زندگی نتوانستم در قم بمانم و به شهر آمل برگشتم و در آنجا نزد مرحوم ابوالقاسم فرسیوی و مرحوم آقا محمدغروی رینه‌ای مکاسب و رسائل شیخ مرتضی انصاری دزفولی را فرا گرفتم و بسیار از درس آن دو بزرگوار بهره بردم.

در آن دو سال که در قم بودم تابستانها به ناندل می‌رفتم و ناگزیر تهران را هم می‌دیدم. در این سفرها بود که در تهران چند جلسه‌ای از درس مرحوم میرزا طاهر تنکابنی را درک کردم.

● جنابعالی فلسفه و کلام را در کجا و از چه اساتیدی آموخته‌اید؟



کتابی نزد ایشان خواندم. در قم هم آن را نزد آقای ابوالمکارم کرمانشاهی ادامه دادم. در مدرسه معقول و منقول تهران، در مدرسه مروی از آقای جواد کمالیان در این زبان بهره بردم. من همیشه می‌کوشیدم که این زبان را درست فراگیرم. از این رو پس از خواندن «لکتورلیتر» راه سنجش متن را با ترجمه پیش گرفتم و نخستین بار گفتار منطقی دکارت را که مرحوم فروغی برای سوم بار ترجمه کرده بود با متن سنجیدم تا اینکه راه فهم این زبان برای من آسان گشت.

● آیا آن موقع می‌توانستید متون فرانسوی را به راحتی مطالعه کنید؟

قوشچی را در آمل نزد مرحوم میرزا عبدالله اشراقی رینه‌ای خواندم. من بسیاری از متون فلسفی را مانند الحکمة المتعالیه صدرای شیرازی و المبدأ و المعاد و الشواهد الربوبیه و چند رساله دیگر او را به دقت خوانده‌ام. از قبسات میرداماد و چند رساله دیگر او بسیار خوشم می‌آمد. سرمایه ایمان و گوهر مراد لاهیجی و شوارق الالهام او را هم خوانده‌ام.

● چرا و چگونه به آموختن زبانهای خارجه روی آوردید؟

■ هنگامی که در آمل بودم نزد پسرخاله خود آقای میرسید یحیی خان حکیمی لاریجانی فراگرفتن زبان فرانسه را آغاز کردم و چند



مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری امروز) و دانشسرای عالی طی کردم. در آنجا از دروس مرحوم میرزا ابوالحسن خان فروغی هم بهره بردم. از آقای عصار هم در آنجا استفاده می‌کردیم تا اینکه در تاریخ ۱۳۲۰ برگه لیسانس به من دادند.

● قدری هم راجع به سوابق و مسئولیتهای خود در دانشگاهها بفرمایید.

■ در خرداد ۱۳۱۹ خدمت در کتابخانه دانشکده حقوق آغاز شد. عنوانم از فروردین ۱۳۲۱ دبیری دبیرستانهای پایتخت بود و سپس به دبیری دانشگاه مبدل شد. در ۱۳۳۵ به پایه دبیری رسیدم و در ۱۳۳۱ سمت معاونت کتابخانه دانشکده حقوق و در ۱۳۳۳ ریاست کتابخانه کتب خطی دانشگاه و در ۱۳۳۴ ریاست کتابخانه مرکزی و در ۱۳۴۳ مشاورت فنی کتابخانه مرکزی و در ۱۳۴۶ عضویت کمیته این کتابخانه به من داده شد در این تغییرات سمت معاونت کتابخانه حقوق هم بر عهده من بود.

● غیر از کارهای پژوهشی فعالیت آموزشی هم در دانشگاه داشته‌اید؟

■ بله؛ در ۱۳۳۴ شورای دانشگاه تهران مرا برای تدریس درسهای درایه الحدیث و فرهنگ ایرانیان در دانشکده الهیات و معارف اسلامی شایسته دانست و در آن دانشکده درسهای منطق و تاریخ فلسفه

■ بله؛ البته این کار به تدریج آسان شد. بعد از مقابله آن متن در کتابخانه دانشکده حقوق به دو ترجمه قرآن از ساواری و کازیمیرسکی برخوردیم و مقدمه آنها را که در تاریخ پیغمبر اکرم است خواندم. آسان بودن فهم معانی برای من، عبارات را هم سهل می‌کرد. سپس به خواندن کتابهای درسی منطقی و فلسفی پرداختم که یکی از آنها تاریخ فلسفه ژانه بود. توفیقی داشتم که توانستم یک مجلد از دایرة المعارف فرانسوی درباره فکر را به تدریج برای خودم ترجمه کنم و با آن با تاریخ تحول اندیشه بشری آشنا شدم. بسیار کتاب سودمندی است. سیاست ارسطو را هم به فارسی درآورده‌ام.

زبان انگلیسی را نیز که بسیار برای من لازم بود در تابستانی نزد دوستی آموختم و در عوض من به او فرانسه آموختم. در آن سه ماه تابستان سه کتاب دبیرستانی را با هم خواندیم.

● آیا شما دوره دانشکده را هم گذرانده‌اید؟

■ بله؛ در سال ۱۳۱۶ که دوباره راهی تهران شدم، دو سالی به دبیرستان معقول و منقول در مدرسه مروی رفتم. راست بگویم که نیازی به درسهای آنجا نداشتم. هم من استفاده از محضر مرحوم میرزا مهدی آشتیانی بود، در مدرسه سپهسالار قدیم. سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در

اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس را بر عهده‌ام گذاردند. در دوره دکتری آنجا تدریس عرفان اسلامی نیز داشتم.

در ۱۳۴۸ دانشیار نیمه وقت دانشکده الهیات و در ۱۳۴۹ دانشیار تمام وقت دانشکده ادبیات شدم. در زمانی که در

بروید به آقای رفسنجانی، رئیس جمهور، اوضاع را بگوید تا ایشان بدانند و به داد ما برسند.

دانشکده الهیات دانشیار بودم وابسته به گروه تاریخ شده بودم و سرانجام پیش از آنکه بازنشسته شوم به درجه استادی رسیدم.

● در کدامیک از کنگره‌ها و مجامع علمی مسئولیت داشته‌اید؟

■ در ۱۳۳۵ در کنگره خواجه نصیرطوسی در دانشگاه تهران عضو شدم و در ۱۳۳۸ عضو انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی شدم و در ۱۳۴۱ در کمیسیون کتابشناسی شورای مؤسسه تحقیق در ادبیات و زبانهای ایرانی شرکت داشتم. در ۱۳۴۴ طبق تصویب هیأت رئیسه مجلس شورای ملی در کتابخانه مجلس شورای ملی جزء تدوین کنندگان فهرست آن کتابخانه بودم و شش مجلد از فهرستهای آنجا با همکاری اینجانب نشر شده است.

انجمن فلسفه و علوم انسانی مرا برای تدوین فهرست مخطوطات کتابخانه سپهسالار دعوت کرد و چند مجلد اخیر فهرست آنجا با همکاری من نشر شده است. ● در چه کنگره‌ها و سمینارهایی شرکت کرده و مقاله داده‌اید؟

■ در کنگره جهانی ایران شناسی سال ۱۳۴۵ و کنگره‌های ملی «تحقیقات ایرانی» از ۱۳۵۰ تا کنون و در مجلس بزرگداشت دانشمندان ایرانی مانند: رشیدالدین فضل‌الله همدانی در تهران و تبریز در ۱۳۴۸، سعدی و حافظ در شیراز در ۱۳۴۸، شیخ طوسی در مشهد در همین سال، بیهقی مورخ در مشهد در ۱۳۴۹، بیرونی در تهران در ۱۳۵۲، ناصرخسرو قبادیانی در مشهد در ۱۳۵۳، فارابی در تهران و مشهد و تبریز در همین سال شرکت داشته و سخنرانی کرده‌ام. متن سخنرانیها در کارنامه‌های این انجمنها به چاپ رسیده است.

همچنین در سمینار نسخه‌های خطی کابل و غرنین در ۱۳۴۶ و در سمپوزیوم هنر تیموری در شهرهای سمرقند و بخارا و تاشکند به دعوت فرهنگستان ازبکستان در ۱۳۴۸، در کنگره بیرونی در کراچی و حیدرآباد و راولپندی و لاهور در ۱۳۵۲، در کنگره سندشناسی در کراچی و حیدرآباد در ۱۳۵۳ و در کنگره اسلامی لاهور در ۱۳۵۳



کتابخانه مرکزی چاپ شده است. در سال ۱۳۵۳ از طرف دانشگاه شیکاگو دعوت شدم که در بخش ایران شناسی و کتابخانه آنجا کار کنم و یک ماه و بیست روزی در آنجا بودم و از محضر دانشمندان آنجا و از آن کتابخانه بهره‌ها بردم و وظیفه‌ای که به من محول شده بود انجام دادم. سپس به دعوت دانشگاه لس آنجلس به آن شهر رفتم تا از مخطوطات فارسی و عربی و ترکی که بالغ بر هشت هزار مجلد می‌شود فهرست بردارم. دو ماه و نیم در آنجا بودم و نزدیک به پنج هزار عنوان کتاب یادداشت برداشتم و آنها را در اینجا تحریر کردم و با کمک مراجع کتابشناسی و نسخه‌شناسی توانستم آنها را تشخیص دهم. این هم خود یک فهرست مفصلی شد. از افاضات و افادات استادان گرامی آنجا هم بهره‌مند شدم و از لطف آنان سپاسگزارم.

مقداری از نسخه‌های مخطوط کتابخانه مجلس سنا را من فهرست کرده و در نشریه کتابخانه مرکزی منتشر کرده‌ام. به دعوت همان کتابخانه همه نسخه‌های آنجا با شرکت من فهرست و نشر شد.

تا زمانی که در ایران بودم از کتابخانه‌های دانشگاهی و کتابخانه‌های مجلس شورا و سنا و ملک و همچنین از کتابخانه آستان قدس بهره‌ها بردم و از این

شرکت کرده‌ام و سخنرانیهای من در آنجا در مجلات به چاپ رسیده و می‌رسد.

به دستور انجمن آثار ملی با نظارت من فهرستی از مخطوطات کتابخانه‌های رشت و همدان و یزد و مشهد با کمک کتاب‌شناسان کشور در سه مجلد نشر شده است.

به منظور کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد، نجف، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان سعودی در سال ۱۳۴۵ و به شهرهای مسکو، لنینگراد سابق، تفلیس، دوشنبه، تاشکند، بخارا، سمرقند و باکو در شوروی سابق و شهرهای پاریس و مونیخ و لیدن و اوترخت و استانبول در اروپا و شهرهای کمبریج، بستون و پرینستون و آن آربر میشیگان و شیکاگو و نیویورک در امریکا به مدت یک سال از مرداد ۱۳۵۱ تا مرداد ۱۳۵۲ سفر کردم و شش ماه از این سال از دانشگاه هاروارد دعوت رسمی داشته‌ام.

یادداشت‌هایی که در این سفرها برداشته‌ام آنچه مربوط به کشورهای عربی بوده است در نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده و یادداشت‌هایم درباره نسخه‌های خطی کشورهای شوروی سابق و اروپا و امریکا نزدیک به هزار صفحه و درباره نزدیک به شش هزار عنوان کتاب در مجلد هشتم نشریه

فعالیت‌های پژوهشی و علمی خود توضیح بفرماید.

■ آثار من عمدتاً بر سه نوع است: کتابشناسی و فهرست‌نگاری، تصحیح، و پژوهش.

در دنیای کنونی که کتابشناسی و فهرست‌های مشترک مقامی والا و اساسی یافته است، محققان اسلامی باید فهرست‌های جامعی در اختیار داشته باشند و من برای برآوردن این نیاز تلاش کرده‌ام که فهرست‌های جامعی از نسخه‌های خطی اعم از فارسی، عربی، ترکی، و گاهی اردو و کردی فراهم آورم. من ابتدا با دعوت مرحوم سید محمد مشکوة که پایه‌گذار این خدمت در ایران بود و خدایش بیامرزد، برای کار فهرست‌نگاری در دانشگاه تهران دعوت شدم. آقای علی تقی وزیری و مرحوم محدث هم بودند. مرحوم مشکوة وقتی کتابخانه‌اش را وقف دانشگاه کرد آنها را در کتابخانه دانشکده ادبیات گذاشت و کتابخانه مرکزی دانشگاه نامید. ما هر عصر می‌رفتیم آنجا. آقای علی تقی منزوی هم با ما کار کرد؛ اما مرحوم محدث زیاد کار نکرد، چون خودش کارهای علمی دیگری داشت و به این کار اهمیت نمی‌داد والاّ مرد عالمی بود، خدا بیامرزدش، بسیار مرد خوبی بود. بنده اول با او به کتابداری و کتابشناسی پرداختم و بعداً به

راهها، فرهنگ گسترده اروپا و امریکا را دیده و دانشمندانی را که یک‌ته به چندین زبان آشنایی داشته‌اند زیارت کردم و خود را بسیار کوچک یافتم. کتابخانه بزرگ لندن در مسکو و کتابخانه ملی در پاریس و موزه بریتانیا و کتابخانه‌های دانشگاه لیدن و دانشگاه هاروارد و شیکاگو و لس‌آنجلس در برابرم دریای بی‌کرانی بود. دریافتم که در برابر فرهنگ کلاسیک یونان و روم و فرهنگ هندی و فرهنگ چینی ما آنچه می‌دانیم چندان بزرگ نیست.

یک روز در دانشگاه هاروارد دانشمندی به من گفت: ما شما را اینجا نیاورده‌ایم که برای ما کار کنید، شما در این کتابخانه بزرگ به کار تاریخ منطق که شیفته آن هستید بپردازید. من بدین منظور سری به کتابخانه که جایم روزها در لابلای قفسه‌های آن بود، زدم و دنبال کتب راجع به منطق چینی و بودایی و هندی رفتم. دیدم که فقط درباره منطق چینی از چشم هندوان چندین کتاب است که خواندن آنها خود عمری می‌خواهد، منطق چینی و هندی و یونانی در زبانهای خاوری و باختری که جای خود دارد. کاش چند سالی در آنجاها می‌بودم تا شاید از دریای بیکران دانش و فرهنگ آن سرزمینها قطراتی نصیب می‌شد.

● اگر مایل هستید قدری درباره نوع



فهرست نگاری.

من دیدم علمای اروپا یا امریکا و دیار غرب و حتی خودمان (دانشمندان ایرانی) اول کتاب را شناخته‌ایم و بعد تألیف کرده‌ایم و هر محققى هم امروز اگر بخواهد کار بکند باید اول کتابش‌ناس باشد. من در این سالهای اخیر در دانشگاه کلاس فهرست نگاری را دایر کردم و الآن هم دارند در کتابخانه ملی این را ادامه می‌دهند.

کار دیگر من تصحیح و طبع متونی است که هر یک به مناسبتی ضرورت داشته است که به چاپ برسد.

در تصحیح هم ما قواعدی داشتیم که علمای ایرانی در کارشان به آن عمل می‌کردند و ما با آنها آشنا شدیم. ثقة الاسلام تبریزی، حاجی نوری، حاج آقا بزرگ طهرانی، اینها کسانی بودند که در این زمینه پیش‌قدم هستند.

در این زمینه کوشش من همواره بر آن بوده است که نایابها، ناشناخته‌ها، گمشده‌ها، و سرانجام مؤثرها را چاپ کنم. من توفیق یافتم که متونی را که حاوی آرا و عقاید فیلسوفان، متکلمان، اقوال و مقامات صوفیان و عارفان، مسائل و آثار ریاضی‌دانان و منطقیان، منشآت و مکاتبات مترسلان و دیران، وقایع و حوادث مضبوط توسط مورخان و وقایع‌نگاران است، به چاپ برسانم.

دیگر، پژوهشهای منفرد من است که بیشتر در زمینه‌های منطق، فلسفه، و کلام و بررسی آرا و عقاید متفکران اسلامی انتشار یافته است. این پژوهشها شاید در شناساندن کارهای ارسطو، فارابی، ابن سینا، ابن کمونه، ابن رشد، ابن میمون، غزالی، ناصر خسرو، خواجه نصیر، بابا افضل کاشانی، ملاصدرا، ملا محسن فیض و سی‌چهل دانشمند دیگر از این زمره بی‌تأثیر نبوده است.

این یک حقیقتی است که محقق کتاب می‌خواهد و تا شما بازار کتاب را رواج ندهید، محقق نمی‌تواند کار کند. این آقایان بزرگوار، سردمداران حکومت می‌آیند، می‌گویند باید تحقیق بکنید، تحقیق که بدون کتاب نمی‌شود.

● در فهرست نگاری چه چیزهایی را مدنظر داشتید؟

■ در زمینه فهرست نگاری کار من فقط منحصر به این نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه‌ها بپردازم، بلکه سعی کرده‌ام با توجه همه جانبه به آنچه در یک صد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهدی که در خودمان و از میان اصل نسخه‌ها برمی‌آید، قواعد و

● در زمینه فهرست‌نگاری چه فعالیت‌های بارزی داشته‌اید؟

■ یکی از کارهای من در فهرست‌نگاری همکاری در طرح فهرست نویسی نسخه‌های کتابخانه‌های شهرستانهاست که سه جلد از آن مربوط به فهرست کتابخانه عمومی مشهد و رشت و همدان و چند کتابخانه خصوصی بوده و در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین منتشر شده است.

دیگر، مشارکت در جلسات تقویم نسخه‌های خطی از جمله برای کتابخانه‌های مجلس‌های شورا و سنای قدیم و دانشگاه‌های تهران، همدان، مشهد و چند جای دیگر است.

فهرست‌های کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران و تعدادی از دانشکده‌های آن و مدرسه سپهسالار را که البته قسمتی با همکاری دکتر علی‌نقی منزوی انجام شده در مدت ده سال به انجام رسانیدم و پس از آن مدت شش سال در فهرست نویسی کتابخانه‌های ملک و مجلس و کتابخانه‌های خصوصی صرف وقت کردم و چون صبحها در کتابخانه دانشکده حقوق موظف بودم ناگزیر از آن بودم که بعد از ظهرها چه در زمستان سرد و چه در تابستان گرم کار دلدیر خود را دنبال کنم. فی‌المثل، مدت قریب به پنج سال معمولاً هفته‌ای دو سه روز بعد از ظهرها با

فنون فهرست‌نگاری را تنظیم و حتی اسلوبی روشمند و متناسب را عرضه کنم. ما با توجه به مبانی فهرست نویسی از میان چهل پنجاه هزار نسخه متفاوت الشکل دقیقی را به دست آورده‌ایم که برخی از آنها پیش از این به نظر فهرست‌نگاران نیامده بود. مثلاً ذکر مشخصاتی از قبیل عرض کراسه، اجازه، بلاغ مقابله، انهاء و یادداشتهای مذکور در اول و آخر نسخه‌ها از قبیل بهای نسخه و تملک‌های متفاوت و مطالب دیگری از این دست. قصد نهایی و اصلی من از نسخه‌شناسی رسیدن به مرحله کتابشناسی و بالمآل متن‌شناسی بود. نمونه کوششهایی که در این زمینه‌ها کرده‌ام، کتابشناسی کتابهای موسیقی، فهرستواره فقه، فهرستهای خاص کتب اخلاق و سیاست، ترسلات و منشآت (دبیری) پیمان‌نامه‌ها، گنجوری و کتاب آرایی است. در این گونه کتابشناسیها اغلب نظر ارزشیابی‌ام نیز مندرج است. شمار نسخه‌ها و مآخذ متنوع اساسی معرفی شده و مشخصاتی از مؤلف آمده و در حقیقت فهرستی است که سرگذشتنامه و کتابشناسی در آن به هم آمیخته است و در اصطلاح فرنگی «bio bibliography» گفته می‌شود.

در مواردی که کیفیت نسخه یا اهمیت موضوع یا هویت مؤلف در مراجع و منابع دیگر نیامده باشد به تفصیل پرداخته‌ایم.



آقای ایرج افشار به کتابخانه ملی ملک در بازار بین الحرمین می‌رفتیم تا خدمتی را که به معرفی و تشویق مرحوم دکتر علی اکبر سیاسی تعهد کرده بودیم به پایان برسانیم. البته بخشی از مقدمات کار با همکاری تنی چند از فضلا از جمله آقایان دکتر محمدباقر حجتی و احمد منزوی سرانجام یافت. با همین پشتکار و دلبستگی بود که سی چهل کتابخانه بزرگ و کوچک را فهرست کردم و فهرستهای آنها را به چاپ رسانیدم.

کار دیگر من در این زمینه، تدوین نشریه نسخه‌های خطی است که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ناشر آن است. فکر تأسیس و نشر این نشریه در سال ۱۳۳۶ پیش آمد؛ زمانی که دکتر صلاح‌الدین المنجد، کتابشناس و دانشمند مشهور عرب و مدیر وقت معهدالمخطوطات العربیة در قاهره، به دعوت ایران در تهران بود. در یکی از روزها که با او و آقای ایرج افشار در خیابان نزدیک باشگاه دانشگاه قدم می‌زدیم منجد به ما گفت که ضرورت علمی ایجاب می‌کند در ایران هم نشریه‌ای که معرف نسخه‌های خطی کتابخانه‌های کوچک بی‌فهرست و اطلاعات مرتبط با نسخه‌ها باشد، منتشر سازید تا اهل علم بدانند که در کتابخانه‌های پراکنده خصوصی و عمومی کشور شما چه نفایسی مخزون مانده است. این مطلب را چند روز

بعد به رئیس اداره انتشارات دانشگاه عرضه داشتیم و ایشان بی‌تأملی فرمود: مطالبی را که می‌دانید مفید است گردآورید و به من بدهید تا چاپ شود. دوازده شماره از آن نشریه به چاپ رسید و من در آنجا مطالب زیادی نوشتم که عمدتاً در معرفی نسخه‌هایی است که اینجا و آنجا دیده‌ام، از جمله در کتابخانه‌های مختلف روسیه و اقمار آن و امریکا و ممالک اروپایی.

**من دیدم علمای دیار غرب و حتی خودمان اول کتاب را شناخته‌ایم و بعد تألیف کرده‌ایم و هر محقق هم امروز اگر بخواهد کار بکند باید اول کتابشناس باشد.**

● اگر ممکن است پاره‌ای از آثار برجسته خود را که به طبع رسیده است، نام ببرید.  
■ نام برخی از آثاری که چاپ کرده‌ام، اعم از تصحیح و ترجمه و تألیف عبارت است از:  
در معارف اسلامی: (فقه و کلام و حدیث و ملل و نحل و فلسفه و حکمت) ترجمه النکت الاعتقادیة شیخ مفید، معتقدالاسامیه، کسر اصنام الجاهلیة صدرالدین شیرازی، النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی شیخ طوسی، ترجمه مختصر نافع محقق حلی، بحرانوائد، النجاة ابن سینا، شرح فارسی شهاب الاخبار،

از واژه‌های نایاب بوده است؛ زیرا با به دست آوردن این گونه نوشته‌ها و تازه ساختن واژه‌های دیرینه در زبان کنونی، بر غنای زبان افزوده خواهد شد و در ساختن واژگان معادل برای مفاهیم جدید می‌توان از آنها سود جست.

● اگر کسی بخواهد کتابشناس شود، ابتدا باید

چه چیزهایی را بیاموزد؟

■ هر کتابشناس و کتابداری باید دو زبان بداند؛ دو زبان خارجی غیر از عربی. یک وقتی عده‌ای از فضلا آمدند در درس ما شرکت کردند و گفتند ما عربی بلدیم. گفتیم عربی بلد بودن، معجزه‌ای نیست. هر فرد مسلمانی باید عربی بداند. بنابراین شما باید گذشته از زبان فارسی و عربی دو زبان خارجی هم بدانید. آنها را وادار کردم که دو زبان خارجی یاد بگیرند.

من خودم در آن ابتدا دیدم برای کار تحقیق و تصحیح کتبی که درباره فرهنگ ما به فرانسوی یا ایتالیایی و یا انگلیسی نوشته شده باید زبان آنها را بدانم. این کتابی که الآن دارم مطالعه می‌کنم، دایرةالمعارف اسلامی است که ابتدا به دو زبان چاپ می‌شد؛ اما حال به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی چاپ می‌شود. من این کتاب را تقریباً تا مجلد هفتم خریده‌ام، اما متأسفانه چون دولت دلار به من نمی‌دهد، قدری در خریدها تأخیر شد.

جام جهان نما یا ترجمه تحصیل بهمنیار (با همکاری دانشمند گرامی آقای عبدالله نورانی).

در منطق: تبصرة ساوی و رسائل متعددی از عده‌ای از دانشمندان پیشین. گرانتر از همه مجموعه سه جلدی المنطقیات فارابی است که در سالهای اخیر موفق به انتشار آن شدم. در علوم و فنون: رسائلی از خواجه نصیر، دو رساله در آثار علوی، کتاب الاسرار و سرالاسرار محمدبن زکریای رازی، تجارب شهریار، یواقیت العلوم و دراری النجوم، نوادرالتبادر لثحفة البهادر (با همکاری آقای ایرج افشار).

در پزشکی: مفتاح الطب و دو بخش ذخیره خوارزمشاهی.

در عرفان و تصوف: روزبهان نامه، آثار درویش محمد طبسی (با همکاری آقای ایرج افشار)، مناقب الصوفیه.

در اخلاق و سیاست: اخلاق محتمسی، اخلاق ظهیری، الادب الوجیز، اخلاق نیشابوری، و تحفه.

در تاریخ: بخشهای اسماعیلیه جامع التواریخ و زبدة التواریخ، مکاتب رشیدالدین فضل‌الله همدانی و تاریخ الوزراء قمی.

انگیزه من در برگزیدن بعضی از متون پیشین برای چاپ، ارزشمندی زبان فارسی پرمایه آنها و احتوای هر یک بر مقداری کثیر



دو جلد فهرست کرد. قدر این فهرست را اروپاییها دانستند، نه ما. اول آمدند این کتاب را به لاتین ترجمه کردند و با متن عربی هر دو را چاپ کردند. این اثر حاجی خلیفه جاودانی است و ماندگار. حاج آقا بزرگ طهرانی هم آمد اسامی کتب شیعه را ثبت کرد و این را هم خوشبختانه با همت بچه هایش، آقای علی تقی متزوی و احمد متزوی که اینها جانشین پدرشان هستند، انجام داد.

● اینها فرزندان حاج آقا بزرگ هستند؟

■ بله؛ و الآن واقعاً جانشین پدر شده اند و خوب هم کار می کنند.

● استاد ضرورت تصحیح متون را تا چه حد می دانید؟

■ تصحیح متون یک چیز لازمی است. اگر ما متن را تصحیح نکنیم چاپ کردن آن غلط است؛ یعنی ما اول باید کتاب را بخوانیم، ببینیم چند نسخه از این کتاب هست و نسخه های متعدد آن را ببینیم.

● آیا تصحیح ضوابط مدونی ندارد؟

■ در ضوابط هم باید روی کار اروپاییها کار کرد.

● آنها برای این کار ضوابط و تکنیکهایی دارند؟

■ آنها اول به چاپ متون یونانی پرداختند. متون یونانی را با ترجمه های عربی و لاتین آنها مقابله و سپس چاپ کردند.

دولت باید به ما دلار بدهد تا ما بتوانیم اینها را تهیه کنیم. این کتاب، فارسی که ندارد؛ اما شما اگر کتابی را می خواهید بشناسید باید این کتاب را نگاه کنید و اگر عالمی را هم بخواهید بشناسید این را باید نگاه کنید. ما در فارسی و عربی چنین کتابی نداریم. عربها آمدند مقداری از این کتاب را ترجمه کردند؛ اما آن را ادامه ندادند. کسانی هم در اینجا شروع کرده اند به نوشتن حرف «آ» از دایرة المعارف بزرگ اسلامی و خودشان را در حرف «آ» غوطه ور کرده اند و دیگر نمی رسند به کار دیگری؛ ولی آنها الآن یک دوره را تا X نوشته اند و حالا دارند دور دوم را می نویسند و ما از این نظر عقیم و من تأسف می خورم.

● آیا در بین علمای گذشته ما کسانی بوده اند که در کتابشناسی و فهرست نگاری کاری انجام داده باشند.

■ بله؛ حاج آقا بزرگ طهرانی صاحب الذریعه برای کتابشناسی اسلامی یک طرحی ریخت که بر اساس آن می خواست از آنچه شیعه تألیف کرده است، آمار بگیرد. مقصودش شناساندن آثار علمی شیعه ها بود. البته سنیها در این کار پیش قدم بوده اند. بهترین کاری که سنیها در این باره کرده اند، کار حاجی خلیفه صاحب کشف الظنون است. ایشان هر چه کتاب در اسلام به زبان عربی بود همه را در

کتابی را دانشجو به عهده می‌گیرد. این تصحیحها را شما تا به حال دیده‌اید؟

■ من اینها را کارهای ابتدایی می‌دانم، کار تمرینی است. اینها باید چند کتاب تصحیح شده را بخوانند و ببینند دیگران چه کرده‌اند. مستشرقان از دویست سال پیش تا به حال، نسخه‌های متعدد و جالبی از اطراف دنیا خریدند و برده‌اند آنجا. اینکه می‌گویند اروپاییها کار ما را دزدیده‌اند، دروغ است. اروپاییها کار ما را خریدند و ما توانستیم آنها را حفظ کنیم.

● آیا تسلط بر زبان موضوع کتابی که می‌خواهد تصحیح بشود، لازم است؟

■ بله؛ اگر شما کتابی را بخواهید تصحیح بکنید باید زبان آن کتاب را یاد بگیرید. پس، اول دانستن زبان کتاب لازم است و بعد دانستن علمی که کتاب از آن بحث می‌کند. اگر مثلاً کتاب فقهی را بخواهید تصحیح کنید باید خودتان فقیه باشید و الا کار غلطی است. یکی از ضروریات تصحیح این است که بدانید این مؤلف چه آثار دیگری دارد، که با زبان و فکر او آشنا بشویم و الا همین طوری نمی‌شود تصحیح کرد.

● چند درصد از کتابهای خطی که شایسته تصحیح بودند تصحیح شده‌اند و چند درصد دیگر باقی مانده است؟

■ خیلی باقی مانده است، خیلی. من یک

● این تجاری را که در تصحیح متون عربی دارند، در جایی مدون نکرده‌اند؟

■ یک مقدارش را مدون کرده‌اند.

هر کتابشناس و کتابداری باید دو زبان بداند؛ دو زبان خارجی غیر از عربی. یک وقتی عده‌ای از فضلا آمدند در درس ما شرکت کردند و گفتند ما عربی بلدیم. گفتیم عربی بلد بودن، معجزه‌ای نیست. هر فرد مسلمان باید عربی بداند.

● شما در این زمینه کاری نکرده‌اید؟

■ نه؛ من کاری نکرده‌ام. من فقط یک مقاله‌ای دارم در نشریه کتابداری کتابخانه دانشگاه، که درباره دستور فهرست نگاری است. در مقدمه‌های بعضی از فهرستهایی که در دانشگاه چاپ کرده‌ام این قواعد را نوشته‌ام. خلاصه‌اش این است که شما هر کتابی را که بخواهید تصحیح بکنید نباید به یک نسخه اکتفا بکنید، بلکه همه را باید جمع کرد و با هم سنجید و آن را که قدیمتر است و آن را که صحیحتر است، معیار قرار داد. حالا گاهی همه اختلاف نسخه‌ها را در چاپ ذکر می‌کنند و گاهی همه را نمی‌آورند.

● الان در بعضی از رشته‌های دانشگاهی به عنوان رساله فوق لیسانس یا دکتری تصحیح



من الآن که بعضی از کتابهای ماوردی را می‌خوانم، می‌فهمم این آقا از اول کار تخصصی‌اش در حکومت اسلامی بوده است و در کتاب دیگری که به نام ادب الدیناوالدین نوشته هم راجع به حکومت اسلامی صحبت کرده است.

● آیا آثاری هم در دست انتشار و یا آماده چاپ دارید؟

■ بله؛ همین ترجمه قدیم الاحکام السلطانیه ماوردی (با همکاری آقای چنگیز پهلوان).  
نهایة العرب، بستان المعقول زنگی بخاری، مجمل الحکمه (ترجمه رسائل اخوان الصفا با همکاری آقای ایرج افشار)، مقامات بایزید بسطامی، و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجتبی مینوی را نیز زیر چاپ و یا آماده چاپ دارم.

● چه مشکلاتی الآن در کار تحقیق و تصحیح متون احساس می‌کنید؟

■ چیزی که الآن ما را زمین زده است، قضیه دلار است. قیمت کتاب توی این مملکت زیاد است، ما چه بکنیم. من به رفقا گفتم بروید به آقای رفسنجانی، رئیس‌جمهور، اوضاع را بگویید تا ایشان بدانند و به داد ما برسند. پیش از این به هر دانشمندی پانصد دلار در سال می‌دادند؛ به این ترتیب که اگر می‌خواست کتابی بخرد، به او حواله می‌دادند. من خودم می‌رفتم به همین مرکز

مقاله‌ای درباره فقه ۱۴۰۰ ساله اسلامی در زبان فارسی دارم که در حین نگارش آن متوجه شدم که خیلی از نسخه‌ها و کتابها هست که ما با آنها آشنا نیستیم؛ اول باید کتابخانه مجهزی باشد که کتابها در آن باشد، آنها را در اختیار شما بگذارند و شما هم بردارید و رویشان کار کنید.

● الآن برای تصحیح، چه کتابهایی را ضروری می‌دانید؛ یعنی اگر خود حضرتعالی توانی داشتید ترجیح می‌دادید چه کتابی را تصحیح کنید؟

■ اگر کتاب فلسفی باشد من می‌روم دنبالش.  
● الآن چه کتابهایی در زمینه فلسفه هست که شما شایسته تصحیح می‌دانید؟

■ به کتابهای ابن سینا اهمیت می‌دهم و همچنین به کتابهای فارابی. من تخصصم در منطق بوده و هست. الآن هم عاشق منطقم.  
کاری که الآن در دست دارم، درباره مسأله حکومت اسلامی است؛ یعنی می‌خواهم بینم که علمای اسلام درباره حکومت اسلامی چه فکری می‌کرده‌اند.

● تألیف است یا تصحیح؟  
■ تصحیح است.

● اصل کتاب از کیست؟

■ از ماوردی است که یک عالم شافعی درجه اول است و من خیلی به او اهمیت می‌دهم.

ندهید، محقق نمی‌تواند کار کند. این آقایان بزرگوار، سردمداران حکومت می‌آیند، می‌گویند باید تحقیق بکنید، تحقیق که بدون کتاب نمی‌شود.

● الآن روزی چند ساعت کار می‌کنید؟

■ الآن دیگر نمی‌توانم کار کنم.

● ممنونیم از اینکه به ما وقت دادید.

اسناد و مدارک علمی و هر سالی به من هفتصد، هشتصد دلار در ازای فاکتور کتابهای خارجی حواله می‌دادند. من فکر می‌کنم که اگر این کار نشود، اصلاً در تحقیق بسته می‌شود. بروید به مقامات بالا بگویید این یک حقیقتی است که محقق کتاب می‌خواهد و تا شما بازار کتاب را رواج



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی